

A Look at the Impact of Tax System on Qarib Shah's Riot

Mohsen Shanei

PhD student of Islamic Iranian History, University of Isfahan, Iran, mostafa4161@yahoo.com

Aliakbar Jafari*

Associate Professor of History Department, University of Isfahan, Iran, a.jafari2348@yahoo.com

Asghar Foroughi-Abari

Associate Professor of History Department, University of Isfahan, Iran, a.foroughi@ltr.ui.ac.ir

Abstract

Riots, in fact a remonstrative reaction to unfavorable conditions of the society, occur for different reasons, the recognition of which will help us to better understand social life of people and retrieve their social history. The riots occurred during Safavid era is no exception, especially that except in few cases, in the historiography of this era, the social life of people and inferiors are largely ignored. The riots of the people of Guilan at the beginning of Shah Safi's era, known as Qarib Shah's Riot, are important examples of inferiors' riots. In this research, the factors influencing riots will be considered. The study is based on two types of reports and documents: one, the reports presented by Safavid historians and the other theories and analysis by contemporary researchers. Close study of reports show that the riot of Guilan at the beginning of Shah Safi era is not specifically a protest to Shah Safi governance; instead it is grounded in Shah Abbas period. The main reasons of the riots are the methods Guilan province was governed, pressures put on people to pay different types of tax, etc. These in turn endangered the economic security of Guilan people during Shah Abbas period. The method of research is descriptive-analytical; in which historical reports, documents, and analysis presented by the researchers.

Keywords: Safavid, Guilan, Qarib Shah, Tax, Riot, Subordinate Groups.

* Corresponding author

فصل نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و سوم، دوره جدید، سال نهم
شماره چهارم (پیاپی ۳۶)، زمستان ۱۳۹۶، صص ۱۷۷-۱۹۴
تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۵/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۰۲

نگاهی به تأثیر نظام مالیاتی بر شورش غریب‌شاه

محسن شانه‌ای* - علی‌اکبر جعفری** - اصغر فروغی ابری***

چکیده

شورش‌های اعتراض‌آمیز که واکنشی به اوضاع نامطلوب حاکم بر جامعه محسوب می‌شوند، علت‌های مختلفی دارند که بازشناسی آنها رهیافتی به زندگی اجتماعی مردم و بازیابی تاریخ اجتماعی است. بررسی شورش‌های دوره صفویه نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ به‌ویژه که در تاریخ‌نگاری این دوره، زندگی اجتماعی مردم و طبقات فرودست، جز اشاراتی واگذاشته شده است. شورش مردم گیلان در آغاز پادشاهی صفی که به نام شورش غریب‌شاه شناخته می‌شود، نمونه مهمی از شورش‌های گروه‌های فرودست است که این پژوهش علت‌ها و عوامل مؤثر در آن را بررسی می‌کند. این بررسی مبتنی بر دو دسته از گزارش‌ها و نوشته‌هاست: گزارش‌های مورخان دوره صفویه و نظریه‌ها و تحلیل‌های پژوهشگران معاصر. بررسی دقیق گزارش‌ها نشان می‌دهد که شورش گیلان در آغاز پادشاهی شاه‌صفی، به‌طور مشخص اعتراض به پادشاهی شاه‌صفی نیست بلکه ریشه‌ها و زمینه‌های آن را باید در دوره پادشاهی شاه‌عباس جستجو کرد. مهم‌ترین علت‌ها در نحوه حکومت و اداره ایالت گیلان و فشارهای مالیاتی در قالب گرفتن اخراجات گوناگون است که موجب سلب امنیت اقتصادی مردم این ایالت در دوره شاه‌عباس اول شد. این پژوهش به شیوه توصیفی تحلیلی و با استفاده از گزارش‌های تاریخی و اسناد و تحلیل‌های پژوهشگران به موضوع می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: صفویه، گیلان، غریب‌شاه، مالیات، شورش، گروه‌های فرودست.

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه اصفهان، ایران mostafa4161@yahoo.com

** دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان، ایران (نویسنده مسؤل) a.jafari2348@yahoo.com

*** دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان، ایران a.forughi@ltr.ui.ac.ir

مقدمه

دولت صفویه در تاریخ تحولات ایران دوره اسلامی، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد. این دولت تا حد بسیاری بر مرزهای شناخته شده ایران قدیم دست یافت، «ایدئولوژی مذهبی پویای تشیع» را رسمیت بخشید و دولتی بر این مبانی تشکیل داد. این ویژگی‌ها موجب شدند که دولت صفویه از نگاه آسیب‌شناسی اجتماعی و اقتصادی کمتر ارزیابی شود. صفویان در حوزه عملکرد اجتماعی و اقتصادی متفاوت از سایر دولت‌های ایران عمل نکردند و حکومت استبدادی با بیشترین فشار اقتصادی بر گروه‌های فرودست و پایین جامعه، وجه مشترک این دولت با دولت‌های دیگر ایران است. از نتایج این شیوه حکومتی، وقوع جنبش‌های اجتماعی بود که در قالب اعتراض‌ها و شورش‌ها در زمان‌های مختلف این دوره و در مناطق مختلف انجام شدند و یکی از همین شورش‌ها، بلای جان این دولت شد. بررسی و ریشه‌یابی تغییرات و تحولات اجتماعی در زمینه تاریخی، از مباحثی است که بخش‌های مبهم تاریخی را تا حدی روشن می‌کند؛ بخشی از این تحولات به واسطه رفتارهای جمعی مردم در قالب شورش در طول تاریخ نمود یافته است. شورش غریب‌شاه در گیلان و در سال ۱۰۳۸/ق ۱۶۲۸م، یکی از رفتارهای جمعی درخور بررسی است. مورخان آن عصر و پژوهشگران معاصر (پاینده، ۱۳۵۷؛ ثواقب، ۱۳۷۸) با بررسی چگونگی وقوع این شورش از ابتدا تا انتهای آن، سعی کرده‌اند آن را در کانون بررسی تاریخی-توصیفی قرار دهند؛ ولی بر عوامل اقتصادی، همچون نظام مالیاتی و انواع مالیات‌ها، به شکل ویژه تأکید نشده است. تمرکز اصلی مقاله حاضر، واکاوی دقیق عوامل اقتصادی است که بروز شورش غریب‌شاه

را باعث شدند. در این نوشتار، پس از بررسی و تحلیل مقدماتی علت‌هایی که در کتاب‌های تاریخی درباره شورش غریب‌شاه بیان شده‌اند، عامل اقتصادی به شکل ویژه و در قالب انواع مالیات‌های رایج در آن زمان بررسی شده است و هدف روشن‌سازی عامل اقتصادی است که پژوهشگران پیشین، عامل اصلی شورش غریب‌شاه بیان کرده‌اند. بنابراین، با توجه به متون اولیه آن دوره، سعی شده است درباره برخی از انواع مالیات‌هایی توضیح داده شود که از مردم گیلان گرفته می‌شدند و تبیین شود که هر یک از این مالیات‌ها چه بودند و چه تأثیری بر زندگی مردم آن زمان داشتند. بررسی عوامل و ریشه‌هایی که این شورش را به وجود آوردند در کانون توجه این پژوهش قرار دارد. برای انجام این کار، با روش‌های مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا، متون تاریخی آن زمان بررسی و مفاهیم متناظر با بحث مالیات از متون تاریخی استخراج شدند.

شورش مردم گیلان

در دوره صفویه وضعیت زندگی گروه‌های فرودست، به ویژه کشاورزان، تفاوت چندانی با دوران پیشین نداشت و به نظر برخی پژوهشگران، مردم روستایی و کشاورز به زمین وابسته شده بودند (لمتون، ۱۳۶۲: ۲۲۰؛ فلور، ۱۳۹۴: ۲۰۸). این وابستگی تاحدی بود که برخی از آن با عنوان «بردگی اقتصادی» یاد می‌کنند (پتروشفسکی، ۱۳۵۶: ۹ تا ۴۱). این تعبیرها، نوع نگاه حاکم بر ارتباط دولت و رعایا را نشان می‌دهند. در این نگاه، رعایا به دعاگویی و انجام رعیتی برای شاه موظف هستند و رعیت بودن خود را در قالب پرداخت انواع مختلف مالیات‌ها نشان می‌دهند. گستردگی انواع مالیات‌ها و رعیت بودن مردم

معاصر، فشار اقتصادی فراوان زمان شاه‌عباس اول بر منطقه گیلان از عوامل اصلی بروز این شورش بود. پس از فوت شاه‌عباس اول در جمادی‌الاول ۱۰۳۸ ق/۱۶۲۸م و به سلطنت‌رسیدن سام‌میرزا، معروف به شاه‌صفی، شورش منطقه گیلان نخستین واقعه مهمی بود که شاه جدید در ایالت‌ها با آن مواجه شد و در میان مورخان و پژوهشگران به شورش «غریب‌شاه» معروف است.

کلنجارسلطان، پسر جمشیدخان‌رشتی از نوادگان یکی از خانواده‌های حاکمان محلی پیشین منطقه گیلان بود. در این شورش، او با برخی بزرگان و جمعی از توده مردم، برخی حاکمان محلی منصوب شده از طرف دولت مرکزی در این منطقه را کشتند و اموال فراوانی را از دولت و بازرگانان غارت کردند. آنها چند بار شهرهای رشت و لاهیجان را غارت و اداره این منطقه را از عهده کارگزاران صفوی خارج کردند. برخی منابع مدعی هستند که شورشیان درخواست خود مختاری گیلان و منطقه دارالمرز را داشتند (فومنی، ۱۳۹۰: ۲۲۶ و ۲۲۷). شاه صفی پس از اطلاع از این شورش، دستور داد سپاهی به فرماندهی ساروخان‌طالش، حاکم آستارا، گرگین‌سلطان، حاکم گسکر، همراه با تعدادی از حاکمان محلی منطقه گیلان اعزام شوند. در نهایت، این شورش با کشته شدن هشت هزار نفر از مردم منطقه، دستگیری و انتقال کلنجارسلطان به پایتخت صفوی و قتل او در این شهر به پایان رسید. آمار کشته شدگان نشان می‌دهد این واقعه از خونین‌ترین شورش‌های داخلی در کل دوره صفویه بوده است. مهم‌ترین علت آمار چشمگیر کشته شدگان، همراهی و مشارکت جمع بسیاری از طبقه فرودست بود.

و فشارهای اقتصادی بر آنها موجب می‌شد که از دست عمال شاه به شاه شکایت کنند یا بر اساس برخی اسناد، از زمین‌های خود فرار کنند (ذبیحی، ۱۳۵۴: ۲۰/۶) و در مواقعی شورش کنند. شورش مردم گیلان در سال ۱۰۳۸ ق/۱۶۲۸م یکی از شورش‌هایی است که براساس آن وضعیت زندگی اقشار فرودست جامعه ایران در عصر صفویه بررسی می‌شود.

در ادبیات سیاسی، شورش نوعی قیام مسلحانه علیه دولت مرکزی است که به‌طور معمول، به موفقیت نمی‌رسد (آقابخشی، ۱۳۸۳: ۵۷). از ویژگی‌های شورش، داشتن رهبری، حضور توده مردم و وجود دولت خودکامه ضعیف است و عامل اصلی بروز آن، فشار و نارضایتی توده مردم از وضعیت اقتصادی است (کاشانی، ۱۳۷۶: ۷۶).

در شورش گیلان، این ویژگی‌ها وجود داشتند: رهبری مشخص کلنجارسلطان، حضور گسترده مردم و دولت خودکامه اما ضعیف شاه‌صفی. توده‌ای بودن این شورش از اصطلاحاتی مانند «عامه اهل»، «اوباش گیلان»، «اجامره گیلان»، «گروه مخدول» (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۲۳ و ۲۲۴)، «جمعی کثیر از اشرار و بی‌دولتان»، «غوغای عام و هجوم لثام» (ترکمان، ۱۳۱۷: ۱۵ و ۱۶)، «جمعی کثیر و جمی غفیر» (اصفهانی، ۱۳۶۸: ۵۰) و «لشگر جمری» (فومنی، ۱۳۹۰: ۲۲۷) مشخص است که مورخان آن دوره برای همراهان این شورش به کار برده‌اند و در منابع استفاده شده‌اند. گفتنی است که برخی مورخان درباری زمان شاه‌صفی، این شورش را در حد آشوبی ساده جلوه داده و گفته‌اند: «... فوجی از بی‌حوصلگان در طرف گیلان و مازندران سر شورش و عصیان برآورده» (الحسینی‌الفرشی، ۱۳۸۸: ۲۲۶). همچنین نباید فراموش کرد که براساس نظریه‌های پژوهشگران

علت‌های شکل‌گیری شورش مردم گیلان

بر اساس آنچه در نمودار ۱ درباره علت‌های شکل‌گیری شورش غریب‌شاه آمده است، با دو دسته کلی از علت‌ها مواجه هستیم: دسته اول، علت‌هایی که مورخان عصر صفوی درباره شورش بیان کرده‌اند و دسته دوم، نظریه‌ها و دیدگاه‌های پژوهشگران معاصر.

الف. علت‌های شورش گیلان از نظر مورخان عصر صفوی

در میان گزارش‌هایی که به شورش غریب‌شاه اشاره کرده‌اند آنهایی که با فاصله زمانی بیشتری از این قیام نوشته شده‌اند، دلایلی قید کرده‌اند که با واقعیت‌های زمان شاه‌عباس اول و آغاز سلطنت شاه‌صفی مطابقت کمتری دارند. برخی از این نویسندگان معتقدند «سکان ملک جنت عنوان گیلان بنابر ضیق شوارع و مسالک و کثرت تراکم اشجار ... سالک بغی و طغیان می‌کردند» (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۲۲ و ۲۲۳؛ واله قزوینی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۱۵). در این گزارش، محدودیت‌های طبیعی و نبودن راه عبور در این منطقه، عامل مهم فساد و شورش در آنجا یاد شده است. این ادعا پذیرفتنی نیست زیرا شاه‌عباس اول پس از استیلای کامل بر دارالمرز (گیلان و مازندران) در سال ۱۰۲۱ق / ۱۶۴۵ دستور داد که راه مناسب در کل این منطقه ایجاد شود (ترکمان، ۱۳۹۰، ۲ / ۱۰۴۷ و ۱۰۴۸)؛ بنابراین، در این منطقه دو راه برای دسترسی آسان ایجاد شد: یکی در امتداد ساحل دریای خزر بود و دیگری از فرح‌آباد آغاز می‌شد و عرض کوه‌های البرز را می‌پیمود و در جنوب به تهران می‌رسید (بلو، ۱۳۹۳: ۲۷۹). به احتمال، علت این اهتمام شاه آن بود که در اوایل حکومت او نبودن راه مناسب در این منطقه، مانعی جدی برای لشکرکشی به گیلان بود

(فومنی، ۱۳۹۰: ۱۲۷).

مورخان معاصر یا نزدیک‌تر به این شورش، با طرح عنوان «کم‌عقلی» مردم گیلان، این واقعه را یک‌جانبه و از سر ارادت به شاه صفوی تفسیر کرده‌اند. مورخان دوره شاه‌صفی به‌طور مشخص و با جملاتی همانند «جمعی از مردم گیلان که به سمت کم‌عقلی و صفت نادانی ضرب‌المثل اهل جهان‌اند ...» (اصفهانی، ۱۳۶۸: ۵۰) یا «خوش‌آمدگویان ناقص خرد گیلانی» (ترکمان، ۱۳۱۷: ۱۵)، این شورش را معرفی کرده‌اند. از نظر این دسته مورخان، اگر مردم گیلان عقل کافی و سالم داشتند، نباید در برابر حکومتی که «اقتضای حکمت بالغه الهی است» شورش می‌کردند و به جای پذیرش حکومت «که بلند اقبالی و تأیید یافتن اقبال در بین الجمهور، سمت ظهور یافته»، «غاشیة اطاعتش شخصی مجهول القدری را به مسند حکومت بر دوش کشیدند» (ترکمان، ۱۳۱۷: ۱۴؛ اصفهانی، ۱۳۶۸: ۵۰)، شورش می‌کردند. این نگاه به شورش و توصیف آن در متون مورخان دوره شاه‌صفی بر اساس نگاه و جهان‌بینی صوفیانه «مرشد کامل» دانستن پادشاه و گوش به فرمان بودن سایر مردم در برابر مرشد کامل تحلیل می‌شود؛ از این دیدگاه، این شورش نوعی اعتراض در برابر دیدگاه «مرشد کامل» بودن شاه است (ترکمان، ۱۳۹۰: ۱۵۱۹/۱؛ ۶۰۴ و ۶۱۷؛ ۱۱۵۸/۲ و ۱۱۶۵). این توصیف به شناخت واقعیت زندگی مردم آن روزگار پاسخ نمی‌دهد و فقط نوعی دیدگاه ایدئولوژیک حکومتی است.

نفاق و رفتار منافقانه مردم گیلان از جمله علت‌های دیگری است که مورخان آن دوره در تبیین چرایی این شورش به آن اشاره کرده‌اند. به گفته ترکمان «مردم گیلان، جز مایده غدر و بی‌وفایی نچشیده‌اند؛ همانا آب و هوای آن ملک جز این تقاضا نمی‌کند» (ترکمان،

ب. علت‌های شورش گیلان از نظر پژوهشگران معاصر

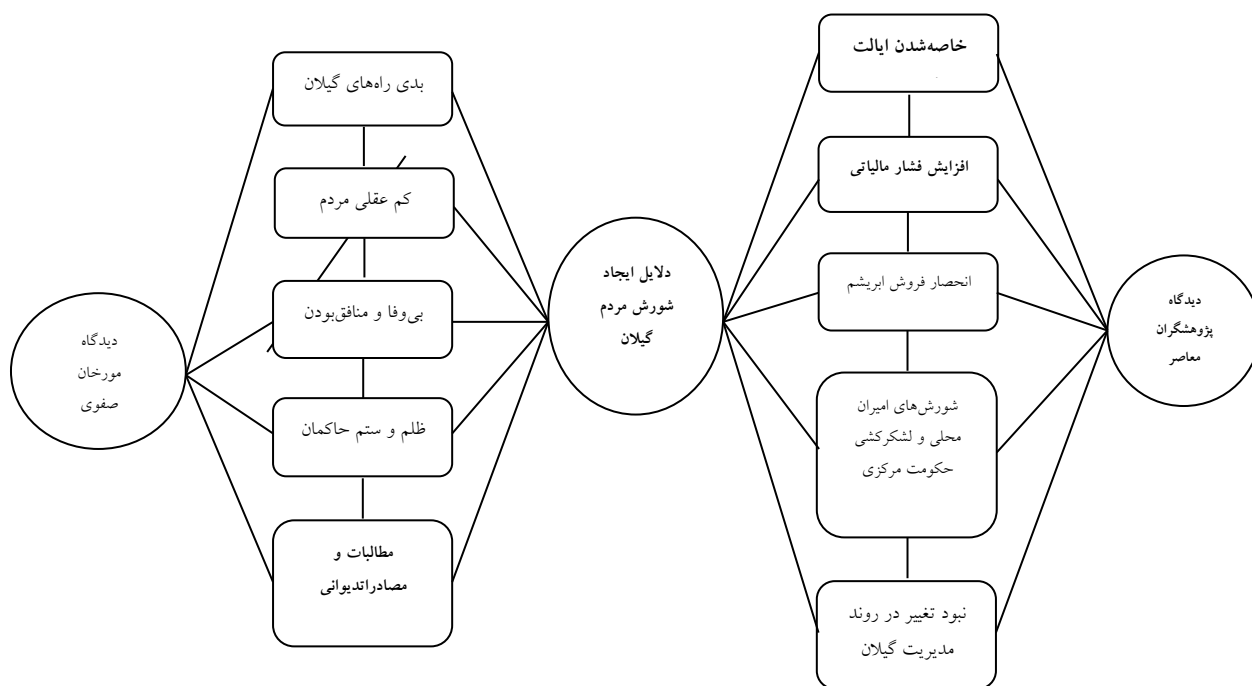
در پژوهش‌های معاصر، علت‌های مختلفی برای شورش غریب‌شاه بیان شده است. مهم‌ترین علت بیان شده، عملکرد فرماندهان نظامی و حاکمان منطقه گیلان در زمان شاه‌عباس اول است که ساکنان این منطقه را به شورش‌گری سوق می‌داد. مؤید این نظر در منابع تاریخی دوره صفویه و در وقایع دوره شاه‌عباس اول دیده می‌شود. فومنی و جنابدی در وقایع سال ۱۰۰۳ق/۱۵۹۴م تأکید کرده‌اند که شاه‌عباس اول برای مهارکردن شورش گیلان به رهبری طالش‌کولی، کیاجلال‌الدین و سلطان‌ابوسعیدچپک و داروغه قزوین، یعنی شیخ احمد جارچی باشی که میر غصب نیز بود همراه با ملک بیگ اصفهانی اعزام کرد. ناکامی این افراد در یافتن رهبران شورش موجب شد تا به جان مردم بیفتند: «میرغضب، شمشیر خون‌آشام از نیام کشیده و قتل به افراط نموده و بر هیچ کس رحم نکرد» (فومنی، ۱۳۴۹: ۱۶۳ تا ۱۶۵؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۷۲۴ و ۷۲۵).

بر اساس این، گیلان منطقه شورش‌خیزی بود و شورش‌کردن جزو ویژگی‌های این مردم محسوب می‌شد. وجود خاندان‌های متنفذ در منطقه که داعیه حکومت داشتند نیز عامل منطقه‌ای این شورش‌ها بود (ثواقب، ۱۳۷۸: ۸۴). گفتنی است که توده مردم و گروه‌های فرودست، بخش اعظم همراهان شورش غریب‌شاه بودند و بزرگان و افراد طبقه بالادست، کمتر با این شورش همراهی کردند.

۱۳۹۰: ۶۲۳/۱). اگر نظریه مرشد کامل و لازم‌بودن اطاعت شاه را پیش فرض منافق‌بودن و بی‌وفایی مردم گیلان قبول کنیم، نفاق نتیجه درک‌نکردن و قبول‌نکردن حکومت «مرشد کامل» است؛ اما در زمان شاه‌عباس اول، در گیلان نفاق روی دیگری هم داشت و آن نحوه برخورد بزرگان و فرماندهان نظامی گیلان با حاکم محلی و سپس با خود شاه بود. وقتی بزرگان و فرماندهان سپاه خان احمد گیلانی به فرماندهی فرهاد خان برای مقابله با سپاه شاه‌عباس اول رفتند، با کمترین درگیری و به‌سرعت از مقابل سپاه شاه گریختند و پس از مدت اندکی، به سپاه و درگاه شاه پیوستند و ملازمان آن درگاه شدند؛ این امر نیز چندان طول نکشید و پس از زمان اندکی، این امیران و بزرگان یکی پس از دیگری همراهی با شاه صفوی را ترک کردند و به گیلان بازگشتند. چنان‌که فومنی می‌نویسد این افراد «حرام نمکی» کردند و قدر ولی‌نعمت‌های خود را ندانستند و به آنان خیانت کردند؛ با قدری تسامح، خیانت در نزد برخی از بزرگان گیلان از پیش مرسوم بود و روزی با خان احمد گیلانی همراهی می‌کردند و به ناگاه، رو به شاه‌عباس اول می‌آوردند و در نهایت نیز به شورش‌های مختلفی در گیلان اقدام می‌کردند (فومنی، ۱۳۹۰: ۱۳۳ و ۱۵۶).

در میان مورخان عصر صفوی، شاید واقع‌بینانه‌ترین قضاوت درباره دلیل قیام مردم گیلان در گزارش عبدالفتاح فومنی یافت می‌شود. فومنی دو علت برای شکل‌گیری شورش عادل‌شاه بیان کرده است: ظلم حاکمان گیلان و زیاده‌ستانی‌های آنان از مردم این منطقه در قالب مالیات‌ها و ... (فومنی، ۱۳۹۰: ۲۲۶ و ۲۲۷)؛ این نظر درباره وقوع شورش گیلان با واقعیت‌های تاریخی انطباق بیشتری دارد.

نمودار ۱. علت‌های شورش مردم گیلان از نظر مورخان صفوی و پژوهشگران معاصر



اصلاح‌بیگ مسئولیت وزارت آن را بر عهده داشته، خاندان متنفذی وجود نداشت. بنابراین، فرض شورش‌خیزبودن گیلان نه برای علت قیام غریب‌شاه بلکه برای تبیین پیشینه شورش‌ها در گیلان پذیرفتنی است.

از نظر پژوهشگران معاصر، از دیگر علت‌های قیام مردم گیلان، «خاصه‌شدن» ایالت گیلان بود (ثواقب، ۱۳۷۸: ۸۲ و ۸۳؛ میرجعفری، ۱۳۸۵: ۴ و ۵). این استدلال از چند جهت درخور بررسی است: ابتدا اینکه با خاصه شدن این ایالت، شاه‌عباس اول می‌خواست اعتراضات مردمی را به ظلم و ستمی حاکمان این ایالت کاهش دهد؛ مورخان معاصر او به این نکته اشاره کرده‌اند (منجم‌یزدی، ۱۳۶۶: ۱۴۳). علت واقعی‌تر این کار، افزایش میزان درآمدهای دولت است و این نکته را نویسنده کتاب «القاب و مواجب دوره سلاطین صفوی» به‌صراحت در بحث «مستوفی خاصه» بیان کرده است. شاه‌عباس اول پس از شکایت سرداران سپاهش درباره

(وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۲۲ و ۲۲۳؛ واله قزوینی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۱۵؛ فومنی، ۱۳۹۰: ۲۲۶ و ۲۲۷؛ ترکمان، ۱۳۹۰: ۶۲۳/۱؛ اصفهانی، ۱۳۶۸: ۵۰؛ پیگو لوسکایا، ۱۳۵۴: ۴۸۱؛ پاینده، ۱۳۵۷: ۴۰ و ۵۶؛ میراحمدی، ۱۳۶۳: ۹۲؛ ثواقب، ۱۳۷۸: ۸۲ و ۸۳؛ ثواقب، ۱۳۸۱: ۱۶۶ و ۱۶۷؛ میرجعفری، ۱۳۸۵: ۴ و ۵؛ فلور، ۱۳۹۴: ۳۶؛ سلطانیان، ۱۳۹۳: ۹۲).

حضور بزرگ‌زاده‌ای در رأس شورش مردم گیلان، تشابهی با شورش‌های قبلی ندارد. هدف تمام شورش‌ها تا سال ۱۰۰۶/ق ۱۵۹۷م در منطقه گیلان این بود که خاندان‌های مهم منطقه، حکومت محلی را تصاحب کنند؛ بنابراین، شورش غریب‌شاه با شورش‌های پیشین مقایسه شدنی نیست. در دو دهه پایانی حکومت شاه‌عباس اول و با قدرت‌یابی اصلاح‌بیگ، وزیر یکی از مناطق گیلان و در طول چهارده سال وزارت او، خاندان متنفذ دیگری در گیلان باقی نماند (فومنی، ۱۳۹۰: ۱۹۷) یا حداقل در منطقه‌ای که

بی‌ملاحظه ناموجه گشته و در زی اختفا می‌گردیدند و خلقی کثیر از رعیت ولایت بیه‌پس به شکوه اصلان‌بیگ به فرح‌آباد رفته، مکرراً زبان به شکایت دراز کرده و عرض تظلم و بیدادی نمودند و مبلغ پنجاه‌یک‌هزار تومان تقریر ابواب اصلان‌بیگ را نوشتند به نواب درگاه سپردند» (فومنی، ۱۳۹۰: ۱۹۷ و ۲۲۶ و ۲۲۷).

اقدامی که حاصلی برای مردم منطقه گیلان نداشت و به قول فومنی، به درگاه شاه‌عباس اول می‌رفتند و حالات عرض می‌کردند ولی بهبودی نمی‌دیدند (فومنی، ۱۳۹۰: ۲۲۷). شاهد ادعا این است که اصلان بیگ، وزیر بیه‌پس، به علت ظلم و ستم به مردم در دورانی که گیلان تازه خاصه شده بود با شورش مواجه و سرانجام از این مسئولیت برکنار شد^۳ (فومنی، ۱۳۹۰: ۱۶۱ تا ۱۶۳).

در این میان، مسئله مهم نحوه سلوک وزیر یا حاکم یک ناحیه یا ایالت با مردم بود. یکی از نمونه‌هایی که به‌خوبی این مطلب را نشان می‌دهد، بحث معافیت مالیاتی در ایالت‌های خاصه است. اصفهان، یکی از ایالت‌های خاصه، یک بار در زمان شاه‌عباس اول به سبب آفت‌ها از پرداخت دیوانی (ترکمان، ۱۳۹۰: ۱۰۵۹/۲) و بار دیگر به علت چراغانی خوب در استقبال شاه، از بخشی از مالیات خود معاف شد (منجم‌یزدی، ۱۳۶۶: ۳۶۰). این معافیت‌ها درباره اصفهان و برخی دیگر از نقاط خاصه تکرار شد؛ اما درباره گیلان فرمانی وجود ندارد که از معافیت بخشی یا همه مالیات این منطقه سخنی به میان آورده باشد. این در حالی بود که گیلان منبع درآمد شاه‌عباس اول و محل تفریحات او بود. این نشان می‌دهد که وزیر این منطقه که حداکثر خدمتگزاری را برای شاه‌عباس اول انجام داد، در زمینه رفاه حال رعایای گیلان اقدامی نکرد. بنابراین، ظلم و ستم وزیر منطقه‌ای با تأثیر ساختار (خاصه‌شدن) برابر است. با وجود این، نباید

مصرف حقوق نظامیان برای ساخت‌وساز در مازندران و اصفهان، تصمیم گرفت که ایالت‌های گیلان، مازندران، اصفهان و اطراف آن و همچنین قم و کاشان را خاصه کند تا از درآمد این مناطق به امور عمرانی مدنظر خود بپردازد (نصیری، ۱۳۷۲: ۴۷)؛ این گفته درباره گیلان صدق می‌کند چون در منطقه گیلان و مازندران، امرای محلی در حال نزاع و کشمکش با هم بودند و این جنگ‌های داخلی موجب بحران در امور اقتصادی و به تبع آن، در زندگی و معیشت مردم بودند. بنابراین، در ابتدا خاصه‌شدن گیلان و مازندران و ازبین‌رفتن حکومت‌های محلی در این دو ناحیه با استقبال عامه مردم همراه شد (ترکمان، ۱۳۹۰: ۷۳۱/۱)؛ همچنین، خان‌احمد گیلانی در ابتدای حکومت شاه‌عباس اول و در سال ۹۹۹ق/۱۵۸۹م مقداری جنس و مبلغ ۱۸۰ تومان «پیشکش» برای شاه فرستاد (منجم‌یزدی، ۱۳۶۶: ۱۰۷).

پژوهشگرانی که معتقدند خاصه‌شدن گیلان بر شورش مردم این ناحیه تأثیر گذاشت، از بخش دوم یعنی درآمدزاکردن ایالت‌های خاصه برای خزانه سلطنتی سخن می‌گویند و بر این باورند که با خاصه‌سازی، وزیران محلی که به جای حاکمان نشستند برای حفظ مقام خود به جمع‌آوری گسترده پول رو آوردند و این درآمدها در منطقه و برای عمران آن هزینه نمی‌شد؛ در نتیجه، بار بیشتری بر دوش مردم می‌گذاشت (ثواب، ۱۳۷۸: ۸۲؛ میرجعفری، ۱۳۸۵: ۵۴). این نویسندگان «ظلم و ستمی» را در نظر نگرفته‌اند که فومنی آن را از علت‌های قیام مردم گیلان می‌داند «چون در زمان وزارت اصلان‌بیگ و وزرای بعد از او در گیلان بیه‌پس، به مدت ۱۷ سال مردم از ظلم و عدوان آنان به تنگ آمدند و از تحکیمات ملازمان و منصوبان، رعایا ظلم دیده و ستم‌ها کشیده بود، از تحمیلات و اطلاعات (مطالبات و مصادرات دیوانی)

میزان این مالیات‌ها و تعداد دفعات دریافت آن مشخص نیست. این دو نوع مالیات در دوره صفویه در گیلان رایج بودند و بر زندگی مردم تأثیر بسزایی گذاشتند و از مهم‌ترین علت‌های بحران‌زایی در این منطقه بودند.

شکار و بیگاری

شکار از جمله مفاهیمی است که در فرمان‌های معافیت از مالیات شاهان صفوی آمده و به‌ویژه، شاه‌عباس اول در برخی از فرمان‌های خود درباره معافیت مالیاتی به آن اشاره کرده است (ذبیحی، ۱۳۵۴: ۱۹/۶ و ۲۲ و ۲۳؛ لمتون، ۱۳۶۲: ۲۳۹). معنای اصطلاح شکار تاحدی نامشخص است؛ برخی شکار را «شش کار» و معنای آن را شش روز کار رایگان برای شاه و حکمران دانسته‌اند (فلور، ۱۳۹۴: ۲۶۵). حداقل در کاربرد، واژه شکار با بیگاری مترادف نبوده است و اگرچه هر دو واژه در فرمان‌های معافیت آمده‌اند، برای یک منظور به کار نرفته‌اند. همچنین در متن فرمان‌های معافیت، بیگاری به معنای کارکردن اجباری و بدون مزد از زمان مغولان باب شده بود (لمتون، ۱۳۶۲: ۷۷۴). نکته مهم در زمینه بیگاری، استفاده از نیروهای کار مجانی در برخی کارهای خاص بود که نمونه‌هایی از آن عبارتند از: ساختن کاخ‌ها، قلعه‌ها و باغ‌ها، کار در مزرعه یا باغ ارباب، صاف کردن جاده‌ها و نیز تعمیرات قلعه، قصر، پل و برج. این بیگاری‌ها تا جایی ادامه پیدا می‌کردند که رعایا از پا می‌افتادند (شاردن، ۱۳۴۵: ۲۷۴/۸ و ۲۷۵). رعایا با پرداخت مبلغی به مأموران از انجام بیگاری معاف می‌شدند^۴ (بوسه، ۱۳۶۷: ۱۷۶).

گزارش‌های تاریخی دوره شاه‌عباس اول نشان می‌دهند که شاه دو نوع شکار داشته است: نوع اول، شکار تفریحی بود که شاه هنگام سفر و گذر از مناطق مختلف و بر اساس استعداد طبیعی آن منطقه انجام می‌داد (منجم‌یزدی، ۱۳۶۶: ۱۱۴ تا ۱۱۷ و ۱۴۹ و ۱۵۱ و ۲۲۶)

تأثیر خاصه‌سازی را نادیده گرفت؛ این تأثیرات در بازه زمانی بلندمدت‌تر و نه در دوره‌ای کوتاه‌مدت درخور ارزیابی هستند. بنابراین، تغییر فضای سیاست حاکم بر منطقه گیلان و سیاست والیان و حاکمان محلی در اداره این ایالت که امنیت و به‌ویژه امنیت اقتصادی را از مردم سلب کرده و به ظلم و ستم پایدار تبدیل شده بود، در مقایسه با نتایج خاصه‌سازی تأثیر بیشتری داشت.

نظام مالی و مالیات‌گیری صفویان در گیلان

برخی مورخان، دوره شاه‌عباس اول را عصر طلایی صفویه می‌شناسند؛ اما این عصر طلایی برای مردم عادی و فرودست ایران و به‌ویژه مردم گیلان با مشکلات بسیاری همراه بود که یکی از نمونه‌های آن، تنوع مالیاتی و میزان چشمگیر آن است. در بررسی این تنوع، به گوناگونی فعالیت اقتصادی مردم این منطقه و به تبع آن، طبیعت انحصاری منطقه توجه شده است. در گیلان نه تنها محصولات کشاورزی، صیفی‌جات و ابریشم تولید می‌شدند، محصولات دامی و شیلات و باغداری نیز حاصل می‌شدند؛ بنابراین، گیلان جزو معدود مناطق تولیدکننده در ایران بود که در حوزه‌های مختلف فعالیت اقتصادی نقش مهمی داشت (مظفری، ۱۳۹۳: ۱۶ و ۱۷). سلب امنیت اقتصادی مردم گیلان و ایجاد شورش در میان آنان، در نظام مالی و مالیات‌ستانی این دوره دیده می‌شود. مالیات دوره صفویه حداقل در سه نوع کلی تقسیم می‌شود: مالوجهات، مالیات اضافی (اخراجات) و نرخی ثابت از درصد برداشت محصول (فلور، ۱۳۹۴: ۱۸۲)؛ در منطقه گیلان، هر سه نوع مالیات آثار و پیامدهای نامناسبی داشتند. مهم‌ترین مشکل کشاورزان و به‌ویژه کشاورزان گیلانی، پرداخت مالیات اضافه یا اخراجات و نرخی ثابت از درصد برداشت محصول بود. بخش دوم و سوم مالیات‌ها تنها بر اساس نظر حاکم یا وزیر منطقه‌ای از مردم گرفته می‌شد و در بسیاری مواقع،

مُسری تعدادی از رعایا تلف می‌شدند^۶ (پیگولوسکایا، ۱۳۵۴: ۴۸۱؛ افوشته‌ای نظری، ۱۳۷۳: ۳۹۶؛ فومنی، ۱۳۹۰: ۱۹۳ و ۱۹۴). مورخان رسمی دوره شاه‌عباس اول، از شکار زنگول با عباراتی مانند «تماشای غریب» و «شکار غریب و تماشایی» یاد کرده‌اند (ترکمان، ۱۳۹۰، ۶۲۳/۱ و ۶۵۱). یکی از سیاحان خارجی که از نزدیک شکارهای شاه‌عباس اول را دیده، رعایا و دهقانان را به مثابه «سگ شکاری» برای شاه توصیف کرده است (دلواله، ۱۳۸۰: ۶۹۵/۱).

فشار این شکارهای گاه‌گاه شاه‌عباس اول بر مردم گیلان از آن رو درخور توجه است که تلفات انسانی بسیاری به همراه داشت و از سوی دیگر، کشاورزان گیلانی که باید در اواخر زمستان و اوایل بهار به کاشت و داشت و برداشت محصولات پاییزی و بهاری می‌پرداختند و خود را برای پرورش ابریشم آماده می‌کردند، با تنی خسته و نیمه‌جان به محل کشاورزی خود می‌رسیدند در حالی که توانی برای کار نداشتند.

و نوع دوم، شکارهای از قبل برنامه‌ریزی شده بودند که خود شاه دستور تنظیم برنامه را می‌داد (جُنابدی، ۱۳۷۸: ۷۶۳ تا ۷۶۵) یا بر اساس سنت‌های دیرپای آن منطقه، برنامه ویژه‌ای برای شکار در زمان ویژه‌ای وجود داشت (ترکمان، ۱۳۹۰: ۶۲۳/۱). از قدیم در ناحیه گیلان، شکاری با نام «شکار زنگول»^۷ مرسوم بود که حاکمان این منطقه در فصل بهار انجام می‌دادند (ترکمان، ۱۳۹۰: ۶۲۳/۱؛ منجم‌یزدی، ۱۳۶۶: ۳۳۵). شکار زنگول از رسوم محلی حاکمان گیلان بود و در زمان شاه‌عباس اول به رسمی سلطنتی تبدیل شد؛ به شکلی که شاه در سال‌هایی که در جنگ نبود و بحران خاصی وجود نداشت، به وزیران گیلان حکم می‌کرد که با استفاده از تمام رعایا، از زمستان سال قبل نخجیر یا نخجیرهای پرمایه ایجاد کنند؛ در این حالت، هر گروه و طبقه‌ای از مردم گیلان مجبور بودند به تعداد بسیار و گاهی ده تا سی هزار نفر، به تشکیل نخجیر برای شاه اقدام کنند. در این میان، به واسطه سرد بودن هوا در مناطق کوهستانی و امراض

جدول ۱. شکارهای شاه‌عباس اول در منطقه گیلان

| ردیف | سال (ق) | نوع شکار | توضیح |
|------|---------|------------|---|
| ۱ | ۱۰۰۱ | سیر و شکار | یک هفته در منطقه لاهیجان |
| ۲ | ۱۰۰۲ | سیر و شکار | با حضور برخی از امیران منطقه گیلانات |
| ۳ | ۱۰۰۳ | شکار زنگول | حضور دو ماهه در منطقه گیلان و ده هزار نفر از مردم برای شکار آمدند. |
| ۴ | ۱۰۰۵ | شکار زنگول | سیر در مناطق مختلف گیلان |
| ۵ | ۱۰۲۰ | شکار زنگول | در این شکار، بسیاری از مسئولان دربار و سپاهیان همراه شاه بودند. نخجیر به شکل مجزا در سه ناحیه گسکر و رشت و فومن تشکیل شد. |
| ۶ | ۱۰۲۳ | شکار زنگول | سیر در مناطق گسکر و رشت و لاهیجان و با همراهی حاکم گرجستان |
| ۷ | ۱۰۲۴ | شکار زنگول | شکار در میان کاله و سپس گیلان به همراه امیررستم‌خان از حاکمان مناطق بلخ |
| ۸ | ۱۰۲۷ | شکار زنگول | به همراه فرستاده قطب‌شاه (شیخ‌محمدخاتون) از دکن هندوستان |

(ترکمان، ۱۳۹۰: ج ۱ و ۲؛ منجم‌یزدی، ۱۳۶۶؛ فومنی، ۱۳۹۰).

طرح

طرح از دیگر اخراجاتی بود که چون به شکل ظالمانه و یک‌سویه اجرا می‌شد، کشاورزان را از رسیدن به حق قانونی خود در فروش محصول باز می‌داشت. این نوع اخراج از قبل از صفویه متداول (بارتولد، ۱۳۵۸: ۲۹۹ و ۳۰۰) و در زمان شاه‌عباس اول، یکی از راه‌های کسب درآمد گسترده برای دولت مرکزی بود؛ به طور کلی، طرح به معنای مجبورکردن کشاورز به فروش غلات و برخی از محصولات کشاورزی به قیمت کمتر به مأموران دولتی است (بوسه، ۱۳۶۷: ۱۷۹). در زمان صفویه، طرح بر ابریشم، پشم و غله وضع شده بود (فلور، ۱۳۹۴: ۲۶۲). در بحث طرح یا انحصار، میزان محصول ابریشم منطقه گیلان مهم‌ترین مسئله‌ای است که با موضوع نوشتار حاضر مرتبط است؛ به گفته اولتاریوس، بیشترین میزان تولید این محصول در گیلان هشت هزار عدل بود (اولتاریوس، ۱۳۶۹: ۶۶۹/۲). در زمان انحصار فروش ابریشم، قیمت هر عدل ابریشم از ۱۲ تومان به ۵۰ تومان افزایش یافت و باقیمانده بها ویژه شاه‌عباس اول بود^۷ (فلور، ۱۳۹۴: ۳۶). بر اساس انجام فرایند اخراجات و به شکل ویژه در زمینه طرح، شاه‌عباس اول هر عدل ابریشمی را که از کشاورز گیلانی ۱۲ تومان می‌خرید^۸، به تجار ارمنی و اروپایی ۵۰ تومان می‌فروخت. شاه از این راه، متوسط مبلغ ۳۰۴ هزار تومان^۹ تنها از ایالت گیلان درآمد داشت.^{۱۰} میزان این مبلغ که بخشی از مال دیوانی سالیانه گیلان بود درخور مقایسه با میزان عشر و مال سه‌ساله ارباب‌رعیتی اصفهان است که پایتخت صفویان بود و میزان کل آن فقط ۱۵ هزار تومان گزارش شده است (ترکمان، ۱۳۹۰: ۱۰۵۹/۲). شاه‌صفی در آغاز پادشاهی خود در حکمی و در قالب طرح به «احتمال آنکه مبدا از کارکنان وزرا و عمال نسبت به این جماعت [مردم گیلان] زیادتی روی

نماید که باعث نقصان و خسران ایشان شود»، خرید ابریشم را در گیلان لغو کرد (واله‌قزوینی‌اصفهانی، ۱۳۸۲: ۱۲).

تسعیر

تسعیر، یکی دیگر از اخراجات، نوعی اضافه‌ستانی بود که درباره برخی از محصولات کشاورزی و به ویژه غلات اعمال می‌شد. تسعیر به نرخی گفته می‌شد که برحسب آن، مالیاتی را که به دینار طلا یا به جنس تقویم شده بود به دینار رایج یا به طور کلی به پول نقد تبدیل می‌کردند (لمتون، ۱۳۶۲: ۷۷۶). براساس گزارش‌های موجود، مستوفیان در ایالت‌های خاصه ابتدا میزان مالوجهات^{۱۱} را تعیین و سپس نرخ تسعیر آن را در قالب احکام برای هر زمین مشخص و برای اعمال، به مودیان اعلام می‌کردند (میرزاسمیعا، ۱۳۶۸: ۴۷؛ میرزارفیعا، ۱۳۸۵: ۲۴۳). گیلان از اولین ایالت‌هایی بود که در سال ۱۰۰۷/ق ۱۵۹۸م، به شکل خاصه درآمد. میزان درآمد تسعیر غلات این ایالت نامشخص است اما بر اساس متون تاریخی دوره صفویه، درآمد چشمگیری بوده است؛ به صورتی که یکی از وزرای مقتدر ایالتی شاه‌عباس اول به علت تفاوت تسعیر برنج یکی از مناطق این ایالت از کار برکنار شد. در این واقعه حاتم‌بیگ، اعتمادالدوله شاه‌عباس اول، به شاه گزارش داد که وزیر گیلان، میرزای عالمیان، مبلغ ۱۸ هزار تومان از تفاوت تسعیر برنج لاهیجان را از کشاورزان دریافت کرده است ولی به حساب حکومت منظور نکرده است. میرزای عالمیان پس از اطلاع از این مسئله، به حضور شاه رسید و توضیح داد که به علت خرابی‌هایی که از حکومت حاکمان قبلی در کشاورزی منطقه گیلان به وجود آمده، او پولی بابت تفاوت تسعیر دریافت نکرده است. گویا شاه‌عباس اول پذیرفت که میرزای عالمیان، پول تسعیر را از مردم لاهیجان دریافت

واسطه شورش‌هایی که در منطقه گیلان اتفاق افتادند، نیروهای مأمور حکومت مرکزی که بیشتر از مناطق تبریز به گیلان می‌آمدند، وظیفه داشتند نیروهای شورشی را سرکوب کنند. در این حالت، بسیاری از نیروهای شورشی به مناطق جنگلی پناه می‌بردند و نیروهای مأمور شاه، چند ماه در روستاهای اطراف جنگل اقامت می‌کردند. بنابراین، مردم روستایی موظف بودند که در خانه خود از این نیروها پذیرایی کنند. شورش علی‌خان، حاکم بیه‌پس، یکی از این شورش‌ها بود که او به همراه چند نفر از ملازمانش در منطقه تیان مخفی شدند. سپاه شاه‌عباس اول به سپهسالاری فرهادخان، سه ماه این منطقه را برای پیدا کردن علی‌خان جستجو کرد و در این مدت، فرماندهان این سپاه در خانه‌های ملاسالار تینانی «نزل» کردند و بقیه لشکر نیز در اطراف ده چادر زدند (فومنی، ۱۳۹۰: ۱۴۶ و ۱۴۷).

ب. در مراتب متعددی، شاه‌عباس اول به همراه بسیاری از ملازمان و فرماندهان خود برای شکار به گیلان رفت. در طول سیر و شکار، ملازمان و همراهان که گاه چند هزار نفر بودند در خانه‌های مردم روستاها و شهرهای سر راه شاه اسکان می‌گرفتند^{۱۳} ترکمان ذیل وقایع سال ۱۰۰۳/ق ۱۵۹۴م (ترکمان، ۱۳۹۰: ۶۲۱/۱) و ذیل واقعه سال ۱۰۲۵/ق ۱۶۱۶م (ترکمان، ۱۳۹۰: ۲/۱۰۴۶) به نمونه‌هایی از این مالیات‌ها و زیاده‌ستانی‌ها در قالب تعریف و تمجید اشاره کرده است.

ج. حضور هیئت‌های خارجی در گیلان. در زمان شاه‌عباس اول، هیئت سیاسی روس حداقل دو بار در سال‌های ۱۰۰۴/ق ۱۵۹۵م و ۱۰۲۷/ق ۱۶۱۷م (ترکمان، ۱۳۹۰: ۶۳۹/۱؛ ۱۱۵۰/۲) از راه گیلان به ایران آمد و حضور این هیئت‌ها جز بار مالیاتی نتیجه دیگری نداشت.

چریک (مالیات نظامی)

چریک یکی از مالیات‌هایی بود که مردم گیلان مجبور بودند در این زمان پرداخت کنند. این مالیات هم به شکل

نکرده است ولی او را به علت نگرفتن تسعیر، برکنار کرد و از جانشین او، بهزادبیگ، خواست که این میزان تسعیر برنج لاهیجان را از مردم آن منطقه بگیرد. بهزادبیگ هم مبلغ ۱۸ هزار تومان را طی سه سال از مردم لاهیجان گرفت و به حساب دولت پرداخت کرد (فومنی، ۱۳۹۰: ۱۶۸ تا ۱۷۰؛ منجم‌یزدی، ۱۳۶۶: ۳۳۶).

قتلغا (قتلغه یا نزل)

قتلغا به مالیاتی گفته می‌شد که در زمان حضور و سفر نمایندگان شاه یا نمایندگان سفیرای کشورهای خارجی که مهمان شاه بودند، ساکنان مناطق و نواحی باید پرداخت می‌کردند. براساس این نوع مالیات، این عده در حین مسافرت در سطح کشور، هر کجا اقامت می‌کردند، ساکنان آن منطقه موظف بودند که امکانات پذیرایی و اسکان آنان را تأمین کنند (طهماسبی، ۱۳۸۴: ۱۱۳). این وضعیت، کم‌وبیش در شهرها وجود داشت؛ در مناطق بین‌شهری و روستایی، مهماندار شاه به هر قصبه و قریه‌ای که می‌رسید، هر قسم خوردنی را بدون خرج یک شاهی از روستاییان می‌گرفت (شرلی، ۱۳۵۷: ۷۸). در بسیاری مواقع، مهمانداران تا چهار برابر نیاز کاروان بر روستاییان تحمیل می‌کردند (مینورسکی، ۱۳۶۸: ۳۵). بجز سفیران خارجی، وقتی مسئولان حکومتی نیز به نقاط مختلف ایران می‌رفتند، مشمول همین‌گونه مالیات برای مردم آن منطقه می‌شدند. مردم می‌بایست چاپاری سواری و خوراک رایگان برای مقام‌های حکومتی فراهم می‌کردند و هزینه سکونت آنها را با پول و نه با کالا می‌پرداختند (فلور، ۱۳۹۴: ۲۶۳). این وضعیت حتی درباره مأموران مالیاتی و گیرندگان مالیات‌ها نیز صدق می‌کرد.

مردم گیلان در طول دوران حیات شاه‌عباس اول، به سه شکل مشمول مالیات «قتلغا» یا «نزل» شدند:

الف. طی سال‌های ۱۰۰۰ تا ۱۰۰۴/ق ۱۵۹۱ تا ۱۵۹۵م، به

مالیات‌های متعدد و شورش گیلان

شورش مردم گیلان در آغاز پادشاهی شاه‌صفی، نتیجه فشار مالی و سلب امنیت اقتصادی بود که در دهه پایانی پادشاهی شاه‌عباس اول فشار دوجندانی بر مردم این ناحیه وارد کرده بود. نصیری (نصیری، ۱۳۷۲: ۴۷) اشاره می‌کند که شاه‌عباس اول برای بناکردن مکان‌های جدید یا ساخت راه‌ها به پول هنگفتی نیاز داشت. خاصه شدن ایالت‌ها و گرفتن انواع اخراجات که براساس فرمان‌های معافیت مالیاتی تا ۵۰ نوع شمارش می‌شوند، ایالت گیلان را که به واسطه وضعیت طبیعی و اقلیمی محصولات متعدد و به‌ویژه ابریشم مرغوب تولید می‌کرد را جولانگاهی برای دریافت انواع مالیات‌های اضافی (اخراجات) کرد. وجود برخی حاکمان مستبد و فاسد، همچون اصلان‌بیک نیز موجب شد این جریان شدت بیشتری بگیرد؛ بنابراین، در دهه پایانی حکومت شاه‌عباس اول دو عامل وجود حاکمان محلی و گرفتن اخراجات متعدد برای تأمین مالی طرح‌های ساخت‌وساز شاه سبب شدند که در زمینه اقتصادی از مردم گیلان نوعی سلب امنیت شود. سلب امنیت اقتصادی در گیلان به این شکل بود که مردم گیلان نمی‌دانستند آیا به واسطه شکار شاه در زمین‌های خود کار می‌کنند یا خیر؟ و هر سال، شاه و مأموران او چه قیمتی را قیمت‌تسعیر اعلام می‌کنند و قیمت فروش طرح چگونه خواهد بود؟ بر اساس این، مردم این منطقه میزان واقعی درآمد خود را نمی‌دانستند چون هر لحظه امکان داشت از آنان مبالغ هنگفتی با عنوان چریک و قتلغا گرفته شود. مردم منطقه‌ای که باید درآمد چشمگیری از مواهب طبیعی آن کسب می‌کردند، در بیشتر اوقات تمام دسترنج خود را با عنوان‌های مختلف و ذیل اخراجات به نمایندگان دولت مرکزی می‌دادند. بنابراین، اضافه‌ستانی مالیاتی و فشار ناشی از آن بر مردم منطقه گیلان، مهم‌ترین دلیل شورش آنها در

موقتی و هم به‌شکل دایم دریافت می‌شد. دریافت آن به این شکل بود که برای برپابودن یا برپاشدن نیروی نظامی ضروری، افراد سالم باید در خدمت سپهسالار قرار می‌گرفتند و با پرداخت مقداری پول از این مالیات معاف می‌شدند (فلور، ۱۳۹۴: ۶۷۰). برخلاف نظر برخی از پژوهشگران معاصر که معتقدند نیروی نظامی در ایالت‌های خاصه وجود نداشت (رهبرین، ۱۳۴۹: ۱۹۱ تا ۱۹۴)، بر اساس نوشته‌های تاریخی، فرماندهان نظامی و نیروهای نظامی آنان به میزان چشمگیری در گیلان وجود داشتند (فومنی، ۱۳۹۰: ۱۶۲ و ۱۶۳)، زیادی نیروهای نظامی، هزینه‌های مالیات چریک را به‌شکل دایمی بر مردم این منطقه تحمیل می‌کرد.

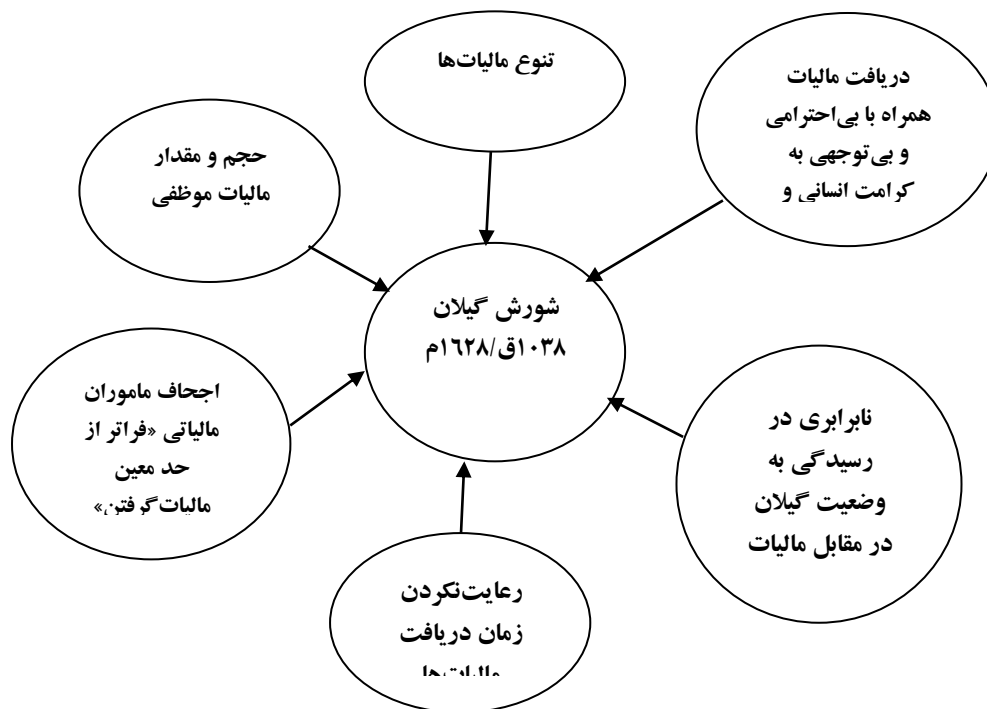
بازدید، مباشرانه و محصلانه

هر سه از دریافتی‌هایی بودند که کشاورزان به پرداخت آن مجبور می‌شدند. بازدید به مالیاتی گفته می‌شد که برای بازدید از محصول، به‌شکل عینی و تخمین میزان آن دریافت می‌شد. مباشرانه را به فردی پرداخت می‌کردند که ناظر املاک حکومتی در مناطق خاصه بود و در ایالت‌های خاصه، حضور مباشر و گرفتن مباشرانه امری معمولی بود. محصلانه نیز به مالیاتی گفته می‌شد که محصل یا تحصیل‌کننده که مسئول جمع‌آوری مالیات بود از مردم دریافت می‌کرد (طهماسبی، ۱۳۸۴: ۱۳۱ تا ۱۵۳). مردم گیلان به واسطه کشت متوالی بهاره و پاییزه خود، همیشه با این مأموران و مطالبات آنها درگیر بودند. روستاییان می‌بایست در روستاها برای مقام‌های حکومتی (مباشران)، چاپاری سواری و خوراک رایگان فراهم می‌کردند و هزینه سکونت آنها را با پول و نه کالا می‌پرداختند. این وضعیت درباره گیرندگان مالیات‌ها (محصل) نیز صدق می‌کرد (فلور، ۱۳۹۴: ۲۶۳).

به دنبال آن نارضایتی‌ها را در این منطقه ایجاد کرده بود که در نهایت، به شورش منجر شد. این چرخه در نمودار ۲ دیده می‌شود.

آغاز پادشاهی صفی بود. بررسی‌های انجام‌شده درباره پربسامدترین مالیات‌های رایج در گیلان در زمان شاه‌عباس اول نشان می‌دهند که این مالیات‌گیری، چرخه‌ای از مشکلات و ناامنی‌ها و

نمودار ۲. مالیات‌ها و تأثیر آن در شورش گیلان



اجحافاتی شورش کنند که از پیش موجود بودند و در این زمان ادامه داشتند.

شورش به رهبری غریب‌شاه چنان مهم بود که شاه تازه به قدرت رسیده آن را به سخت‌ترین شکل ممکن سرکوب کرد. این سرکوبی موجب شد تا پایان دوران صفویه شورش دیگری در این منطقه اتفاق نیفتد؛ پس از فروکش کردن شورش غریب‌شاه، فرایند زیاده‌ستانی مالیاتی از طرف حکومت در منطقه گیلان تداوم نداشت و به دستور شاه‌صفی، مردم گیلان به جرم حمایت از غریب‌شاه مجازات نشدند و به آنها فرصت داده شد تا دوباره ابریشم تولید کنند (فلور، ۱۳۹۴: ۳۰۷). علاوه بر

نکته مهم این است که در زمان شاه‌عباس اول به علت قدرت استبدادی فراوان شاه و سخت‌گیری‌های او، مالیات‌ها و زیاده‌ستانی‌ها در گیلان معمول بودند و با توجه به شورش‌های این منطقه در اوایل پادشاهی شاه‌عباس اول و سرکوب سنگین آنها، امکان شورش در این منطقه فراهم نبود. با مرگ شاه‌عباس اول و به قدرت رسیدن شاه‌صفی، شاه مستبد از موقعیت خود ترسان و در هاله‌ای از ترس و مسئولیت‌ها گرفتار بود؛ بنابراین، به علت زمینه‌های از پیش موجود، این فرصت برای گیلانی‌ها ایجاد شد تا علیه شیوه اجرایی و مدیریتی منطقه گیلان و به‌ویژه مسائل مالی و مالیاتی و

پیش‌آمده پس از مرگ شاه‌عباس اول و حاکمیت استبدادی ضعیف اما سخت‌گوش شاه‌صفی، آن را انجام دادند.

این نگاه به همراه ظلم حاکمان محلی، فضایی را ایجاد کرد که مردم گیلان بلافاصله پس از مرگ شاه‌عباس اول شورش کردند. شورش‌هایی که وضعیت گذشته و ترس تداوم آن در آینده را نشان می‌داد. مردم عاصی و مالیات‌زده گیلان، چاره مشکل خود را در تخریب تمام ساختارها دیدند. شورش گیلان به شدیدترین و سخت‌ترین شکل سرکوب شد و در نتیجه، درباره این نوع ناآرامی‌های اجتماعی در این ایالت تا پایان پادشاهی شاه‌صفی گزارشی وجود ندارد. به احتمال، معافیت مالیات‌هایی که پس از شورش غریب شاه برای اهالی گیلان وضع شد، از علت‌های اصلی وضعیت جدید گیلان بود. بنابراین، ماهیت شورش مردمی منطقه گیلان پس از این واقعه، با شورش‌های دیگر در عصر صفویه متفاوت بود و دستگاه حاکمیت صفوی پس از این شورش برای جلوگیری از شورش‌های بحران‌زا، شیوه عملکرد خود را به‌ویژه در نظام مالیاتی این ایالت تعدیل کرد. این موضوع در پژوهش‌های دیگر درخور بررسی و واکاوی است.

پی‌نوشت

۱. برای اطلاع از وقایع این شورش به مقاله «زمینه‌ها و علت‌های شکل‌گیری قیام غریب‌شاه گیلانی» نوشته جهان‌بخش ثواقب مراجعه کنید.
۲. این جمله «بر سر آرزویی که از دیرباز تخمیر وجود ایشان بود رفته شخصی مجهول‌القدری را... به مسند حکومت آن دیار نشانده، غاشیۀ اطاعتش بر دوش کشیدند» (اصفهانی، ۱۳۶۸: ۵۰) مؤید همین نظر است.

این، در منابع رسمی این دوره، از افزایش مالیاتی و تنوع مالیات‌ها و به‌ویژه رفت‌وآمدهای شاه و هیئت‌های داخلی و خارجی به گیلان و تحمیل مالیات‌های ناشی از آنها گزارشی دیده نمی‌شود.

نتیجه

در پژوهش حاضر تلاش شد تا به این پرسش، پاسخ داده شود که علت‌ها و عوامل اقتصادی چه نقشی در شورش غریب‌شاه داشتند؟ در بررسی این پرسش، دو دسته علت‌های بیان‌شده در منابع و پژوهش‌های تاریخی ارزیابی شدند. با تأکید بر چند وجهی‌بودن علت‌ها و عوامل مؤثر در شورش گیلان، یافته‌های پژوهش حاضر تأکید می‌کنند که مهم‌ترین علت شورش گیلان در سال ۱۰۳۸/۱۶۲۸م، مالیات‌های متعددی بودند که دولت از کشاورزان گیلانی می‌گرفت. مردم گیلان مجبور بودند انواع مالیات‌های (اخراجات) اضافه را بپردازند و از سوی دیگر، بسیاری از این مالیات‌ها در قالب بیگاری و در مهم‌ترین زمان کاری کشاورزان گیلانی انجام می‌شد. شاه‌عباس اول از مردم گیلان انتظار داشت که هم در مالیات‌های بیگاری او به بهترین شکل انجام‌وظیفه کنند و هم کشاورزان منطقه بیشتر مالیات و به‌تبع، بیشترین سهم درآمدی خزانه شاه را بر عهده داشته باشند و البته کشاورزان نباید به معافیت‌های مالیاتی چشم می‌داشتند.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند که تنوع مالیات‌ها و فشار اقتصادی ناشی از عملکرد حاکمان این ایالت در دوره شاه‌عباس اول بر مردم، نقش اصلی را در شورش غریب‌شاه داشتند. این شورش، اعتراض به عملکرد اقتصادی و مالی دولت صفویه و حاکمان آنها در دوره شاه‌عباس اول و تداوم آن در زمان شاه‌صفی بود که شورشیان با استفاده از خلاء قدرت

را به تسلیم و زمین‌خوردن وادار می‌کردند و در این لحظه، با کاردی که به همراه داشتند، خوک وحشی را می‌کشتند. در ادامه شاه و مقامات نیز با تیروکمان تعدادی دیگری از این خوک‌ها را شکار می‌کردند (منجم‌یزدی، ۱۳۶۶: ۳۳۵ و ۳۳۶).

۶. فومنی در کتاب خود در ذیل وقایعی که درباره یکی از این شکارها بیان کرده، از مرگ ۲۸۰۰ نفر نام برده که شاه‌عباس اول در مقابل این اعلام کاملاً بی‌تفاوت بوده است (فومنی، ۱۳۹۰: ۱۹۴).

۷. اینکه فلور از کجا مبلغ ۵۰ تومان را برای هر عدل ابریشم قید می‌کند در کتاب او سندی وجود ندارد؛ اما بنابر نوشته کتاب زندگانی شاه‌عباس، در سال ۱۰۲۸ق تعدادی از تجار ارمنی با شاه ملاقات کردند. در این ملاقات قرار نبود که درباره مسئله خاصی، یعنی صادرات ابریشم ایران از طرف عثمانی صحبتی به میان آید؛ اما یکی از تجار ارمنی که چندان در تجارت ابریشم سهمی نداشت، بدون هماهنگی با بقیه تجار، به شاه‌عباس گفت در صورتی که شاه اجازه دهد که تجار ارمنی ابریشم خود را از طریق عثمانی صادر کنند، آنان حاضر هستند برای هر عدل ۵۰ تومان به شاه بپردازند. این حرف نسنجیده این تاجر به طبع شاه خوش آمد و دستور داد که ابریشم از راه عثمانی صادر شود (فلسفی، ۱۳۷۱: ۵/۱۹۶۱ و ۱۹۶۲).

۸. مسئله دیگر که باید مدنظر داشت این است که نوقان‌داران گیلانی ابتدا باید مالوجهات محصول ابریشم خود را که یک‌سوم محصول بود، پرداخت می‌کردند؛ سپس بقیه محصول را نیز به قیمت مشخص شده، به نماینده شاه می‌فروختند.

۹. فلسفی مدعی است که شاه‌عباس اول از فروش ابریشم به خارجی‌ها و تاجر به‌طور متوسط سالیانه ۸ میلیون تومان درآمد داشته است (فلسفی، ۱۳۷۱: ۵/۱۹۵۲).

۳. مؤلف وقتی از ورود بهزادبیگ به بیه‌پس صحبت می‌کند، از چراغانی و جشن مردم خبر می‌دهد (فومنی، ۱۳۹۰: ۱۶۵).

۴. در تاریخ گیلان به‌صورت خاص به دو نمونه از بیگاری‌ها درباره مردم گیلان اشاره شده است: ۱. زمانی که شاه‌عباس اول توانست خان‌احمد گیلانی را به فرار از گیلان مجبور کند، فرمان داد که باغ پیش قلعه را از درخت و گل تهی کرده و به‌جای آن، سبز میدان را در این محل ایجاد کنند که شاه بتواند به چوگان و قبق‌اندازی در آن بپردازد (فومنی، ۱۳۹۰: ۱۳۲ و ۱۳۳)؛ ۲. زمانی بود که شاه‌عباس اول پس از تسخیر شیروان به بهزادبیگ، وزیر گیلان، دستور داد تمام راه‌ها و پل‌ها را از ابتدای آستارا تا سرحد مازندران هموار و تعمیر کند (فومنی، ۱۳۹۰: ۱۸۲).

۵. برای انجام شکار زنگول از چند هفته تا چند ماه قبل، رعایا زیر نظر فرماندهان نظامی و مسئولان نواحی مختلف گیلان باید با حضور در کوه‌های مناطق گیلان و با استفاده از وسایل مختلفی، به رم‌دادن خوک‌های وحشی اقدام می‌کردند؛ سپس این خوک‌ها را وارد نخجیر می‌کردند؛ اما این نخجیر از قبل با درختان و شاخه‌های بریده‌شده به‌صورت دایره تشکیل شده بود و چند در ورودی داشت. در مرحله بعد رعایا باید این خوک‌های وحشی را وارد اتاقک‌های چوبی می‌کردند که در نخجیر ساخته شده بود و خوک‌های وحشی در داخل این قفس‌ها حبس می‌شدند. در روز شکار و با حضور شاه‌عباس اول و مقامات، ابتدا در بعضی از این قفسه‌ها باز می‌شد و تعدادی از افراد شجاع بر روی خوک‌های وحشی که از زندان‌های داخل نخجیر آزاد شده بودند، می‌پریدند. در این بین، نیروهای تفنگچی و برخی دیگر از مردم عادی به ایجاد سروصدای مهیب اقدام می‌کردند. افرادی که پشت این خوک بوده و گوش این خوک‌ها را گرفته بودند، در نهایت باید آن‌ها

۱۰. البته درآمد شاه‌عباس اول از ابریشم به همین جا ختم نمی‌شد؛ زیرا بازرگانانی که قصد صادرات ابریشم را داشتند، برای هر عدل ۱۲ تومانی مالیات و برای عمل‌آوری ابریشم خام ۴ تومانی مالیات باید می‌پرداختند (ثواقب، ۱۳۸۵: ۴۳) که این خود منبع درآمد دیگر شاه بود و در نهایت، صادرات آن از بنادر مختلف نیز درآمد افزون‌تری را برای او رقم می‌زد.
۱۱. مال و جهات از دو کلمه مال به معنی نقدی و جهات به معنی جنسی تشکیل شده‌است. این واژه را می‌توان معادل خراج دانست که در دوران قبل به کار برده می‌شده است (پطروشفسکی، ۱۳۵۷: ۷۲/۲). خراج همان مالیاتی است که قبل و بعد از اسلام، حکومت مرکزی از اراضی کشاورزی می‌گرفت. میزان آن بنا بر گزارش‌های آن دوران، عشر محصول بوده است (نصیری، ۱۳۷۲: ۶۱ و ۶۲). این میزان از قرن پنجم قمری به صورت رسم درآمد (پطروشفسکی، ۱۳۵۷: ۲۰۷/۲).
۱۲. برای اطلاع بیشتر از این شورش‌ها، نگاه کنید به (شورمیچ، ۱۳۹۲: ۹۶ تا ۱۰۰).
۱۳. مردم این مناطق به غیر از مالیات نزل، مشمول مالیات دیگری هم با حضور شاه و بزرگان می‌شدند که به آن ساوری می‌گفتند. ساوری هدایایی بود که رعایا هنگامی که صاحبان قدرت وارد محلی می‌شدند (نزل) به آنان می‌دادند (طهماسبی، ۱۳۸۴: ۱۲۶).
- کتابنامه**
- الف. کتاب‌های فارسی**
- آقابخشی، علی و مینو افشاری‌راد، (۱۳۸۳)، فرهنگ علوم سیاسی، ویرایش ششم، تهران: چاپار.
- اصفهان‌ی، محمد معصوم بن خواجگی، (۱۳۶۸)، خلاصه السیر؛ تاریخ روزگار شاه‌صفی صفوی، تهران: علمی.
- افوشته‌ایی نطنزی، محمود بن هدایت‌الله، (۱۳۷۳)، نقاوة الآثار فی ذکر الاخیار در تاریخ صفویه، به اهتمام احسان اشراقی، ویرایش دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- اولئاریوس، آدام، (۱۳۶۹)، سفرنامه آدام اولئاریوس، ترجمه محمدحسین کردبچه، ۲ ج، تهران: کتاب برای همه.
- بارتولد، و. و، (۱۳۵۸)، گزیده مقالات تحقیقی، ترجمه کریم کشاورز، تهران: امیرکبیر.
- بلو، دیوید، (۱۳۹۳)، شاه‌عباس؛ پادشاهی که برای مردمش افسانه شد، ترجمه امیر همایونی، اصفهان: مترجم.
- بوسه، هربرت، (۱۳۶۷)، پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی؛ بر مبنای اسناد دوران آق‌قویونلو و قراقویونلو و صفوی، ترجمه غلامرضا وره‌رام، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- پاینده، محمود، (۱۳۵۷)، قیام غریب‌شاه گیلانی «مشهور به عادل‌شاه در دوره صفویه ۱۰۳۸»، رشت: سحر.
- پطروشفسکی، ای. پ؛ ی آبلایف، (۱۳۵۶)، سه مقاله درباره بردگی، ترجمه سیروس ایزدی، تهران: امیرکبیر.
- ، (۱۳۵۷)، کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول (قرن‌های ۱۳ و ۱۴ میلادی)، ترجمه کریم کشاورز، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- پیگولوسکایا، نیناویکتور وونا، (۱۳۵۴)، تاریخ ایران (از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی)، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.
- ترکمان، اسکندربیگ، (۱۳۱۷)، ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی، تصحیح سهیلی خوانساری، تهران: کتابفروشی اسلامیة.

- منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- عباسی، به کوشش فرید مرادی، ۲ج، تهران: نگاه.
- جَنابدی، میرزاییگ، (۱۳۷۸)، روضه‌الصفویه، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- الحسینی سوانح‌نگارالتفرشی، ابوالمفاخر بن فضل‌الله، (۱۳۸۸)، تاریخ شاه‌صفی؛ تاریخ تحولات ایران در سال‌های ۱۰۳۸-۱۰۵۲ق؛ به انضمام مبادی تاریخ زمان نواب رضوان مکان شاه‌صفی؛ تاریخ تحولات ایران در سال‌های ۱۰۳۸-۱۰۴۱ق، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محسن بهرام‌نژاد، تهران: میراث مکتوب.
- دلواله، پیتر، (۱۳۸۰)، سفرنامه پیتر و دلواله، ترجمه محمود بهفروزی، ۲ج، تهران: قطره.
- ذبیحی، مسیح و منوچهر ستوده، (۱۳۵۴)، از آستارا تا استارباد (شامل اسناد تاریخی گرگان)، ۶ج، تهران: انجمن آثار ملی.
- رُهر بُرن، کلاوس میسائل، (۱۳۴۹)، نظام ایالات در دوره صفویه، ترجمه کیکاوس جهان‌داری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سلطانیان، ابوطالب، (۱۳۹۳)، نظام زمین‌داری و کشاورزی در دوره صفویه، رشت: دانشگاه گیلان.
- شاردن، ژان، (۱۳۴۵)، سیاحتنامه شاردن، ترجمه م. عباسی، ۸ج، تهران: امیرکبیر.
- شرلی، آنتونی، (۱۳۵۷)، سفرنامه برادران شرلی، ترجمه آوانس، ۲ج، تهران: منوچهری.
- فلسفی، نصرالله، (۱۳۶۴)، زندگانی شاه‌عباس اول، ۵ج، ۲ج، تهران: علمی.
- فلور، ویلم، (۱۳۹۴)، تاریخچه مالی - مالیاتی ایران از صفویه تا پایان قاجاریه، ترجمه مرتضی کاظمی یزدی، تهران: تاریخ ایران.
- فومنی‌گیلانی، عبدالفتاح، (۱۳۴۹)، تاریخ گیلان در وقایع سال‌های ۹۲۳-۱۰۳۸ هجری قمری، تصحیح و تحشیه
- کاشانی، مجید، (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی انقلاب، ۳ج، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- لمتون، ا.ک.س، (۱۳۶۲)، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، ۳ج، تهران: علمی و فرهنگی.
- مظفری، محمدولی، (۱۳۹۳)، پژوهش‌های فرهنگ عامه (شرق گیلان)، رشت: فرهنگ ایلیا.
- منجم‌یزدی، ملاجلال‌الدین محمد، (۱۳۶۶)، تاریخ عباسی؛ روزنامه ملاجلال، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، تهران: وحید.
- میراحمدی، مریم، (۱۳۶۳)، دین و مذهب در عصر صفوی، تهران: امیرکبیر.
- میرزارفیع، محمدرفیع‌بن‌حسن، (۱۳۸۵)، دستور الملوک میرزا رفیعا، تصحیح محمد اسماعیل مارچینکو فسکی، ترجمه علی کردآبادی، تهران: وزارت امور خارجه.
- میرزاسمیعا، (۱۳۶۸)، تذکره‌الملوک، به کوشش سیدمحمد دبیرسیاقی، تهران: امیرکبیر.
- مینورسکی، ولادیمیرفدوروویچ، (۱۳۶۸)، سازمان اداری حکومت صفوی؛ تحقیقات و حواشی و تعلیقات مینورسکی بر تذکره‌الملوک، ترجمه مسعود رجب‌نیا، ۲ج، تهران: امیرکبیر.
- نصیری، میرزاعلی‌نقی، (۱۳۷۲)، القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه، تصحیح یوسف رحیم‌لو، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- واله‌قزوینی‌اصفهانی، محمدیوسف، (۱۳۸۲)، ایران در زمان شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم (۱۰۷۱-۱۰۳۸ق)، مصحح محمدرضا نصیری، ۲ج، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- وحیدقزوینی، میرزاحمدطاهر، (۱۳۸۳)، تاریخ

ج. پایان‌نامه

. طهماسبی، ساسان، (۱۳۸۴)، کشاورزی و نظام زمین‌داری در دوره صفوی، رساله دکتری تاریخ گرایش ایران اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.

ب. مقاله

جهان‌آرای عباسی، تصحیح سیدسعید میر محمد صادق، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

. ثواقب، جهانبخش، (۱۳۸۱)، «ابریشم گیلان»، پژوهش‌نامه علوم انسانی دانشگاه شهیدبهشتی، ش ۳۴، ص ۱۴۵ تا ۱۷۶.

. -----، (زمستان ۱۳۸۵)، «بررسی عوامل تنزل اقتصادی ایران در عصر شاه‌صفی»، مجله فرهنگ ویژه تاریخ، ش ۲۵، ص ۶۰ تا ۶۲.

. -----، (پاییز و زمستان ۱۳۷۸)، «زمینه‌ها و علت‌ها شکل‌گیری قیام غریب‌شاه گیلانی»، مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره ۲، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۷۱ تا ۹۸.

. شورمیج، محمد، (۱۳۹۲)، تحلیلی بر شورش‌های گیلان بعد از فتح آن در زمان شاه‌عباس اول صفوی، دو فصلنامه پژوهش‌نامه تاریخ‌های محلی ایران، س ۱، ش ۲، ص ۸۹ تا ۱۰۴.

. میرجعفری، حسین، مرتضی دهقان‌نژاد و ساسان طهماسبی، (بهار و تابستان ۱۳۸۵)، «پیامدهای سیاست خاصه سازی در دوره صفویه»، مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره ۲، ش ۱، ص ۱۶ تا ۴۵.